

همان حوزه که البته محدود بود، شهریه می دادند و گهگاهی هم به طلابی که از نجف برای توقف به آنجا می رفتند، شهریه ای می داد. در همان زمان پولی از موقوفه سلطان (اود) هند بین طلاب توزیع می شد. بانی این موقوفه هدفش از وقف، اشاعه تشیع و کمک به طلاب شیعه و گسترش مذهب جعفری بود که پس از سلطه انگلیس در هند درآمد موقوفه را در راه نرم کردن برخی از طلاب و بسط و نفوذ امپراطوری خود به کار بردند. برخی روحانیون و بیوتات آگاهانه و ناآگاهانه از این پول استفاده می کردند؛ اما افرادی چون شیخ مرتضی انصاری (ره) و سید کاظم یزدی (ره) این پول را قبول نکردند. علاوه بر مرحوم انصاری، عده ای دیگر نیز از قبول موقوفه اود خودداری کردند. اما برخی از روحانیون و خاندان بزرگ و بیوتات به طور پنهان این پول را دریافت می کردند. این بیوتات و خاندان وابسته به بزرگان علم و دانش و مراجع بنام که پس از رحلت آن بزرگان هنوز پابرجا بودند و دارای تشکیلات قوی و غالباً از این مستمری موقوفه اود هم استفاده می کردند و در تعیین مرجع نقش داشتند و به اصطلاح مرجع تراش بودند. هرکس که می خواست مرجع بشود یا تشکیلات مرجعیتش حفظ شود باید با بیوت پیوندی می داشت. مرجع وقت ناچار بود به گونه ای بیوت و حواشی را مراعات کند. گویا پول های زیادی اختصاص به این طیف داشت. گاهی در ماه شاید از ۱۰ تا ۳۰ دینار به این بیوت اختصاص پیدا می کرد در حالی که یک طلبه فاضل درسخوان در حدود ربع یا نیم دینار شهریه می گرفت.

البته ناگفته نماند در طول تاریخ شیعه مراجع شیعه افراد خوش نام باصلاحیت عالم و باتقوا بوده اند. تماس با این قبیل بیوتات دلیل بر نقصان و خدای ناخواسته عدم تقوای آن عالم نبود؛ بلکه گهگاهی سیاست این بیوت و خاندان بانفوذ اقتضا می کرد که فلان عالم را مشهور کنند و رساله اش را چاپ و توزیع و از او تبلیغ کنند و گاه سیاست شان اقتضا می کرد عالمی را از شهرت و مرجعیت بیندازند. موضع مراجع در قبال این گونه بیوت و خاندان بانفوذ مختلف بود؛ برخی احتیاط می کردند نه پول از کسی می گرفتند و نه پول به کسی می دادند و هیچ گاه حاضر نبودند از پول بیت المال به این گونه خاندان و بیوت چیزی بدهند؛ اما برخی مصلحت اندیشی می کردند و بر این باور بودند که اگر حوزه علمیه بخواهد اداره بشود، باید این بیوت اداره بشوند. این مطالب را من در آن وقت از طلاب می شنیدم و خودم شخصاً در جریان کار قرار نداشتم.

◀ آیا بیوت و افرادی که از موقوفه هند مستمری می گرفتند، نزد مردم موقعیت و منزلتی هم داشتند؟  
در بین طلاب، فضلا و علما این افراد وجهه خوبی نداشتند ولی مردم عادی خیلی در جریان این قضایا نبودند.

◀ آیا بیوت و روحانیونی که از موقوفه هند استفاده می کردند از سیاست انگلیس حمایت می کردند؟

شاید برخی بیوت و روحانیون که از موقوفه هند مستمری می گرفتند یک نوع گرایشی به آن سیاست داشتند؛ ولی بسیاری از افراد بی طرف بودند و درعین حال از موقوفه هم استفاده می کردند. شاید این گروه توجیهاتی برای خود داشتند که این موقوفه مخصوص حوزه های شیعه و ترویج شیعه است و ما کاری نداریم که چه کسی یا دستی فعلاً آن را پرداخت می کند.

◀ آیا دولت های دیگری هم بودند که در حوزه علمیه نجف در فکر پایگاه باشند و روحانیون را با پول و... طرفدار سیاست های خود کنند؟

غیر از دولت انگلیس بیشتر دولت ایران به فکر پایگاه بود. دولت ایران برای بقای خود به حامی نیاز داشت، از این رو در نجف عده ای را داشت که از سیاست های دولت ایران طرفداری کنند. برخی از این افراد شناخته شده بودند و برخی ناشناخته. آنان زندگی نسبتاً مرفه ای داشتند و معروف بودند که با دربار ایران مرتبط اند. این قبیل افراد هر سال به ایران مسافرت می کردند و بر اساس حواله های که به آنان می دادند، مبلغی دریافت می کردند.

◀ از فرمایشات حضرت عالی نتیجه می گیریم اگر روحانیون برجسته و علمای دلسوز می خواستند حرکتی علیه سلطه گران و دربار ایران داشته باشند چه بسا از طریق نفوذی ها و اطرافیان ناباب و اجیر، اخبار به دربار و... می رسید.

کاملاً درست است. دربار ایران و دولت انگلیس بسیاری از فعالیت ها و حرکت های علما و روحانیون را می دانستند و اصلاً روحیه، طرز تفکر، حساسیت ها و علاقه ها را می شناختند و بر همین اساس برنامه ریزی می کردند. در این جا برای روشن شدن مطلب یک نمونه ذکر می کنم: پس از به قدرت رسیدن رضاخان و حرکت های ضداسلامی و در سرتاسر کشور حوزه های علمیه کم و بیش دست به یک سری فعالیت ها زدند تا مگر به نحوی جلوی تدریجی های رضاخان را بگیرند. مرحوم آیت الله بروجردی و مرحوم حاج شیخ احمد شاهرودی که از علمای بزرگ شاهرود و مردی روشنفکر بود در برگشت از سفر مکه در نجف اشرف در منزل مرحوم نائینی با ایشان و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی دیدار می کنند. در این جلسه پسر آخوند میرزا مهدی که به شدت زیرک و هوشیار بود، شرکت داشته است و گویا کسان دیگری هم حضور داشته اند. در این جلسه از اوضاع ایران بحث به میان می آید که با رضاخان چه کار کنیم؟ هر یک از آقایان حرفی می زدند. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی که مرد شجاعی بوده گفته بود: ما باید افرادی را بفرستیم در میان عشایر و قبایل ایران و این افراد را علیه رضاخان تحریک کنیم و آنان را به قیام واداریم و از این طریق رضاخان را نابود کنیم.

مرحوم نائینی می گوید: ما باید از رضاخان استمالت کنیم و با وی با نرمش رفتار کنیم تا از تندی و صولتنش کاسته شود و غیر از این راهی نیست. خلاصه جلسه تمام می شود و

در آن زمان حوزه علمیه مشهد دو امتیاز مهم داشت که دیگر حوزه ها از جمله نجف و قم نداشتند: نخست ادبیات قوی که بنیانگذار آن شیخ عبدالجواد ادیب بود. فضلالی بسیاری در حوزه درسی ایشان پرورش یافتند

